

نمی‌توان تنها عامل اتخاذ رویکرد آسیامحوری از سوی دولت سیزدهم را به این عامل تقلیل داد. البته موضوع برجام بی‌تأثیر نبوده اما تنها عامل هم نبوده است. یکی از دلایل این گرایش، توجه بیشتر به استفاده از ظرفیت‌های مغفول مانده در رابطه با آسیا و برهم خوردن توازن به نفع غرب بوده است. در واقع دولت درصدد جبران کسری موازنه رابطه با آسیا و غرب است. علل دیگری هم مطرح است. آسیا مرکز ثقل نظم بین‌الملل جدید است. بنابراین هر کشوری باید رابطه خود را با مراکز قدرت تقویت کند. اگر تصور کنیم که کسری موازنه روابط هم مطرح نبود، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای که در آسیا قرار دارد، باید اولویت خود را در این منطقه تعریف کند. در همین چهارچوب تعریف یک سیاست آسیا محور مستقل ضروری می‌شود. حتی اگر تجربه روابط با غرب هم خوب و مطلوب بود دلیل نمی‌شود که در سیاست خارجی خود، از منطقه‌گرایی و آسیامحوری غفلت کرد. توسعه مستقل روابط با آسیا و منطقه یک ضرورت راهبردی است و گسترش روابط با آسیا و منطقه در سیاست خارجی ایران موضوعیت دارد.

این در حالی است که سال‌ها از قرن آسیایی صحبت می‌شود؛ یعنی ما شاهد ظهور روابط بین‌المللی پساربعی هستیم و این امر به تأیید کشورهای غربی هم رسیده است. اتخاذ یک سیاست منطقه‌ای، عقلانی است. بنابراین به اعتقاد من آسیامحوری به معنای منتفی شدن روابط مبتنی بر احترام متقابل و منافع مشترک با غرب و اروپا نیست. دولت سیزدهم نشان داده از پیگیری یک سیاست تعاملی با غرب هم غافل نیست و اگر غربی‌ها بتوانند منافع ملی ما را تأمین کنند، مشکلی در رابطه با آنها وجود نخواهد داشت. نکته مهم این است که دولت سیزدهم درصدد این است که روابط خارجی ما محدود و منحصر به غرب نشود.

■ ضرورت ایجاد «توازن» در سیاست خارجی به‌صورت نظری امری پذیرفته شده است اما تا چه اندازه امکان‌های موجود در صحنه سیاست جهت تحقق عملی این مهم وجود دارد؟

امکان تحقق این توازن وجود دارد. خود کشورهای غربی هم می‌دانند که روابط با جمهوری اسلامی برایشان ارزش راهبردی دارد. یعنی آنها هم احساس می‌کنند که رابطه با جمهوری اسلامی ایران تأمین‌کننده منافعشان است. لازمه ایجاد توازن در روابط با غرب و شرق، پرهیز از غرب محوری مطلق در سیاست خارجی است اما ما به یک سیاست خارجی گام به گام و مرحله‌ای در روابط با اروپا نیاز داریم. تجربه تاریخی ما بخصوص در موضوع برجام، نشان می‌دهد که همه مشکلات را نمی‌شود یکجا حل کرد. باید یک سیاست

خود کشورهای غربی هم می‌دانند که روابط با جمهوری اسلامی برایشان ارزش راهبردی دارد. یعنی آنها هم احساس می‌کنند که رابطه با جمهوری اسلامی ایران تأمین‌کننده منافعشان است. لازمه ایجاد توازن در روابط با غرب و شرق، پرهیز از غرب محوری مطلق در سیاست خارجی است اما ما به یک سیاست خارجی گام به گام و مرحله‌ای در روابط با اروپا نیاز داریم. تجربه تاریخی ما بخصوص در موضوع برجام، نشان می‌دهد که همه مشکلات را نمی‌شود یکجا حل کرد. باید یک سیاست مرحله‌ای داشته باشیم، یعنی رفتار در برابر رفتار، اقدام در مقابل اقدام.

مرحله‌ای داشته باشیم، یعنی رفتار در برابر رفتار، اقدام در مقابل اقدام. نکته دیگر اینکه پیشینه تاریخی روابط ما با اروپا نشان می‌دهد که تفکیک بین روابط سیاسی و اقتصادی با غرب اگر غیرممکن نباشد بسیار سخت است؛ یعنی عملاً نمی‌توانیم روابط سیاسی و اقتصادی را از هم جدا کنیم. در واقع غربی‌ها این دو را از هم جدا نمی‌کنند. به نظرم اروپا و آمریکا نشان دادند که در مواجهه با ایران بخصوص در مسأله هسته‌ای یکدست هستند. برخی در ایران اعتقاد دارند که می‌توان بین اروپا و آمریکا تفرقه انداخت اما این دیدگاه در زمان خروج ترامپ از برجام رد شد. اروپا یک سیاست مستقل از آمریکا

بخصوص در بحث هسته‌ای با ایران ندارد. در واقع اروپا مستقل از آمریکا توان و اراده گسترش رابطه با ایران را ندارد. این مهم را باید در تنظیم روابط با اروپا مدنظر داشت. ضمن اینکه تنش‌زدایی متقابل است نه یکطرفه.

■ تمرکز بر تعیین مناسبات قدرت‌های نوظهور و ورود به پیمان‌های راهبردی با آنها و تکمیل فرایند همگرایی با مجموعه‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای تا چه اندازه مورد توجه دولت قرار دارد؟ ایران در این زمینه تجربه روشنی در کارنامه سیاست خارجی خود ندارد.

درست است چرا که عموماً آسیاگرایی و منطقه‌گرایی اولویت سیاست خارجی ایران نبوده است. به بیان دیگر سیاست منطقه‌ای ما تحت تأثیر رقابت ما با قدرت‌های بزرگ بوده است. روابط بین‌الملل ما تعیین کرده که روابط منطقه‌ای ما چگونه باشد. در حالی که نیاز داریم به موازات پیگیری سیاست بین‌الملل یک سیاست منطقه‌ای نیز داشته باشیم. دولت سیزدهم منطقاً باید پیمان‌های منطقه‌ای و قدرت‌های نوظهور را در اولویت قرار دهد؛ چون برخی کشورهای نوظهور مانند هند و چین در آسیا قرار دارند. لذا از عضویت در شانگهای و اتحادیه اوراسیا گرفته تا اکو اهمیت ویژه‌ای برای ایران خواهد داشت. شاید یکی از ظرفیت‌های منطقه‌ای که می‌توان درباره آن فعال‌تر عمل کرد، بهره‌گیری از ظرفیت سازمان منطقه‌ای «اکو» است و باید بازسازی اولیه این سازمان با محور ایران، پاکستان و ترکیه را در اولویت قرار داد. این در حالی است که اختلافات بین کشورها همیشه وجود داشته و دارد، حتی نمی‌توان دو کشور در جهان پیدا کرد که اختلاف نظری نداشته باشند. بنابراین ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی ایجاد می‌کند که ما تأکید بیشتری روی پیمان‌های منطقه‌ای داشته باشیم. البته ما باید روابط با آمریکای لاتین را هم بازبینی کنیم. به علت حاشیه‌ای بودن سیاست منطقه‌گرایی ما، پیمان‌های منطقه‌ای هم که ایران عضو از آن به شمار می‌آید، در حاشیه قرار گرفته است. همین‌طور باید گفت که جمهوری اسلامی ایران باید به‌صورت جدی طراحی‌های ابتکاری در منطقه خاورمیانه داشته باشد. جای یک ابتکار راهبردی در خاورمیانه خالی از سوی دولت است.

اما ایران بویژه در ماه‌های اخیر ایده دعوت به گفت‌وگو ذیل پیگیری ابتکار عمل برای تأمین امنیت درون منطقه‌ای را روی میز همه بازیگران منطقه گذاشته است که عملاً با پاسخ قابل اعتنائی از سوی کشورهای عربی رو به رو نشده است.

معمولاً تأکید ما روی امنیت دسته جمعی بوده است. شاید تغییر رویکردی مبنی بر حرکت از امنیت دسته جمعی به سوی نظم مبتنی بر قدرت‌های منطقه‌ای لازم باشد؛ یعنی نظم منطقه‌ای

ویژه‌نامه

سالگرد سیزدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری خرداد ۱۴۰۱